

نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری: مطالعه دو نسل مادران و فرزندان در شهرستان سنندج^۱

محمد جلال عباسی شوازی^۲، سعید خانی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰)

چکیده

صاحب‌نظران اقتصادی رفتار باروری زوجین در بسترهای مختلف را از دیدگاه اقتصادی تبیین نموده‌اند. نظریه‌های جدیدتر برخاسته از مدل اقتصاد خرد باروری، باروری پایین را ناشی از شرایط نامن اقتصادی و واکنشی به فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی دانسته‌اند. بطور ویژه، طرفداران نظریه اجتناب از خطر، تأخیر در ازدواج و نگرش‌های کم‌فرزندی را مکانیسم مدیریت رفتاری افراد با توجه به شرایط و یا انتظارات اقتصادی خویش می‌دانند. مقاله حاضر، رابطه‌ی نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری را در میان دو نسل مادران و فرزندان در شهرستان سنندج بررسی کرده است. داده‌های تحقیق از پیمایش ایده‌آل‌ها و رفتارهای باروری سنندج در سال ۱۳۹۳ اخذ شده و اطلاعات مربوط به ۲۱۰ نفر از نسل مادران و ۲۱۰ نفر از نسل فرزندان جوان ۲۹-۱۵ ساله هرگز ازدواج‌نکرده‌ی خانوارهای پیمایش مذکور است. نتایج مطالعه، ضمن نشان دادن تفاوت در ویژگی‌های زمینه‌ای و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری دو نسل، رابطه معنی‌دار نامنی اقتصادی با این ایده‌آل‌ها را آشکار ساخت. نتایج تحلیل چند متغیره نیز نشان داد که نامنی اقتصادی همراه با متغیرهای سن، محل سکونت و تحصیلات افراد تبیین‌کننده ایده‌آل‌های ازدواج و باروری پایین در میان دو نسل است. نتیجه‌ی سیاستی مقاله آن است که به منظور جلوگیری از کاهش بیشتر ایده‌آل‌ها و در نتیجه پیشگیری از شکل‌گیری باروری بسیار پایین، سیاست‌های جمعیتی بایستی با توجه به وضعیت اقتصادی جوانان در سن ازدواج و زوجین در سنین باروری تنظیم شوند، و برنامه‌های حمایتی که امنیت اقتصادی جوانان را تضمین نموده و تسهیل‌کننده‌ی تحقق ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری می‌باشند، در اولویت قرار گیرند.

واژگان کلیدی: سن ایده‌آل ازدواج، تعداد فرزند ایده‌آل، نامنی اقتصادی، فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی.

۱- مقاله حاضر بخشی از نتایج رساله دکتری نگارنده دوم می‌باشد که با حمایت مالی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است. بدین‌وسیله از حمایت مالی مؤسسه و نظرات پیشنهادی آقایان دکتر علی اصغر سعیدی، دکتر غلامعلی فرجادی و داوران مجله تشکر و قدردانی به‌عمل می‌آید.

۲- استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، محقق مؤسسه سیاست‌های عمومی دانشگاه ملی استرالیا و رئیس مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، mabbasi@ut.ac.ir

۳- دکترای جمعیت‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، s.khani63@gmail.com

مقدمه

در طول دهه‌های گذشته، نهاد خانواده در ایران در پاسخ به تحولات اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی تغییرات متعددی را تجربه کرده است. یکی از این تغییرات، کاهش سریع باروری به‌ویژه از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ شمسی و همچنین، رفتارها و انگاره‌های مرتبط با ازدواج و فرزندآوری پایین است که برای سال‌های متمادی موضوع مطالعات مختلف بوده و هست. جالب آن‌که، علی‌رغم وجود تفاوت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی در نقاط مختلف ایران، این تغییرات به‌شکلی کم‌وبیش مشابه، خصیصه‌ای فراگیر بوده است.

در استان کردستان (که قلمرو مکانی تحقیق حاضر در آن واقع شده است) مشابه با سایر نقاط ایران میزان باروری حدوداً بیش از یک دهه است که به زیر سطح جایگزینی و کمتر از ۲ فرزند رسیده است (محمودیان و رضایی ۱۳۹۱؛ عباسی شوازی و مک‌دونالد ۲۰۰۵؛ مرکز آمار ایران ۱۳۸۵). بر مبنای سرشماری ۱۳۹۰، نرخ باروری کل استان، در حدود ۱/۹ فرزند برآورد گردیده است (عباسی شوازی و حسینی‌چاوشی، ۱۳۹۲). همچنین، میانگین سن در اولین ازدواج برای مردان و زنان این استان، در سرشماری ۱۳۸۵ به ترتیب ۲۵/۸ و ۲۳/۲ سال، و ارقام متناظر در سرشماری ۱۳۹۰ به ترتیب به ۲۶/۹ و ۲۳/۶ سال افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰). بطور خلاصه، شواهد، حکایت از سطح باروری پایین و نگرش‌های تغییر یافته به سمت ازدواج‌های دیر هنگام دارد.

در کنار یا ملازم با تغییرات فوق، در چند سال اخیر، جامعه ایران همانند بسیاری از نقاط دنیا مسائل اقتصادی خاصی همچون رکود تورمی^۱، نسبت‌های بالای بیکاری و فشارهای اقتصادی بسیاری را پیش‌روی خود دیده است (نشریه آینده‌نگر، ۱۳۹۱: ۴؛ مردان‌تبار، ۱۳۹۱؛ مرکز آمار ایران، ۹۰-۱۳۷۵). استان کردستان در این بستر، علاوه بر موارد فوق، با محرومیت و عدم توسعه‌یافتگی نیز مواجه است. در حالی که کردستان در سال ۱۳۹۰ حدود ۲ درصد از جمعیت کشور را در بر گرفته (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)، اما سهم ناچیزی از کل تولید ناخالص داخلی^۲

1- Abbasi-Shavazi and McDonald

2- Stagflation

3- Gross Domestic Production (GDP)

(همراه با نفت تنها ۱/۲ و بدون نفت ۱ درصد) در اختیار داشته، و از این نظر، جزء ۸ استان رده پایین قلمداد می‌شود (حسین‌زاده و فرهادی، ۱۳۹۳). همچنین، با ۴۰/۶۹ میلیون ریال تولید ناخالص داخلی سرانه، جزء ۵ استان آخر کشور، و در کنار استان‌های خراسان شمالی، لرستان، گلستان و سیستان و بلوچستان قرار داشته است (همان). میزان بیکاری جمعیت فعال در این استان نیز، در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ از میزان مشابه در کل کشور بیشتر بوده است. در حالی که نسبت بیکاری جمعیت فعال کل کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۱۲/۸ و ۱۲/۳ درصد بوده، نسبت‌های متناظر آن در استان کردستان به ترتیب ۲۰/۲ و ۱۴ درصد بوده است (خانی و همکاران، ۱۳۹۱). افزون بر این، بر پایه اندازه شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری (برحسب سال پایه ۱۳۷۶)، در طول سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، قیمت کالاها و خدمات مصرفی برای خانوارهای شهری کردستان بیش از دیگر استان‌های کشور بوده و نزدیک به ۳/۵ برابر شده است؛ که بیانگر متوسط افزایش سالانه ۱۶/۸ درصد در قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری این استان است. بزرگ (تر) بودن اندازه این شاخص، نشان‌دهنده بیشتر بودن فشار افزایش قیمت‌ها در طول دوره‌ی مورد نظر بر خانوارهاست (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶: ۹). بنابراین، شاخص فوق نشان‌دهنده تداوم شدت فشار نسبی قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارها در خانوارهای استان کردستان است.

مطالعات انجام‌گرفته، محرومیت و عدم توسعه‌یافتگی استان کردستان به‌لحاظ اجتماعی و اقتصادی را نشان می‌دهند (پوراصغر سنگاچین و همکاران، ۱۳۹۱؛ فطرس و بهشتی‌فر ۱۳۸۵؛ کلاتری و گنجی ۱۳۸۴). شرایط فوق‌باعث شده که منابع اقتصادی و پتانسیل‌های رشد اقتصادی محدودی در استان وجود داشته باشد. در نتیجه‌ی محدودیت منابع، که خود ناشی از فقدان یا کمبود سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی است، بسیاری از ساکنان، در شرایط دشوار اقتصادی و با درآمدی بسیار پایین زندگی می‌کنند (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷).

در ادبیات جدید اقتصاد و باروری، مشخصاً بر نامنی اقتصادی^۱ به‌عنوان یک عامل بالقوه مؤثر در روندهای کاهش باروری و رواج ایده‌آل‌های باروری پایین در بسیاری از مناطق دنیا تأکید شده است (ویلر^۲، ۲۰۱۱؛ ارسال و گلدستین^۳، ۲۰۱۰؛ مک‌دونالد و مویلی^۴، ۲۰۱۰؛

1- Economic Insecurity

2- Wheeler

مک‌دونالد، ۲۰۰۸؛ کوهلر و همکاران^۲، ۲۰۰۶). در چنین شرایطی، تبیین کاهش باروری، افزایش سن ازدواج و رواج ایده‌آل‌های فرزندآوری پایین در جامعه‌ی مورد مطالعه با توجه به شرایط اقتصادی موضوعی مهم و قابل توجه است. بدین ترتیب، مقاله‌ی حاضر در راستای پاسخ به سؤالاتی از این قبیل سازمان می‌یابد: ویژگی‌های جمعیتی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری دو نسل مادران (زن ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر خانوار) و فرزندان (جوان هرگز ازدواج‌نکرده ۲۹-۱۵ ساله خانوار) چگونه است؟ آیا تفاوت معنی‌داری در ایده‌آل‌های دو نسل دیده می‌شود؟ اگر تفاوتی وجود دارد، مربوط به کدامیک از عوامل زمینه‌ای است؟ و در نهایت این‌که، آیا ایده‌آل‌های ازدواج و باروری دو نسل را می‌توان با نامی اقتصادی تبیین کرد؟ مطالعه‌ی حاضر از چند منظر حائز اهمیت است؛ اول این‌که، ایده‌آل‌های فرزندآوری ارزش پیش‌بینی‌کننده دارند و ممکن است بیانگر این باشند که افراد می‌خواهند چگونه و در چه سنی ازدواج کنند و چه تعداد فرزند داشته باشند (به‌نقل از هین و همکاران^۳، ۲۰۱۱: ۱۳۱). در این زمینه، گلدستین و همکاران^۴ (۲۰۰۳: ۴۸۰) اظهار می‌کنند که حتی اگر ایده‌آل‌های باروری بطور دقیق سطوح واقعی باروری را پیش‌بینی نکنند، ممکن است درباره‌ی روندهای باروری اطلاعاتی در اختیار ما قرار دهند و این دلیل قانع‌کننده‌ای برای مطالعه ایده‌های باروری است. دوم این‌که، با توجه به تغییرات رفتاری و نگرشی خانواده ایرانی در چند دهه‌ی اخیر، توجه به این تغییرات در میان نسل‌ها اهمیت دارد، زیرا آن‌ها به‌طور متفاوتی در معرض تغییرات بوده و بالطبع تغییرات اجتماعی را به‌گونه‌ای متفاوت درک، باور و عملیاتی کرده‌اند (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، درک تفاوت‌های نسلی می‌تواند به شناخت تغییرات رخ داده در خانواده و همچنین پیش‌بینی پتانسیل موجود برای تغییرات آینده خانواده کمک کند (همان). رازقی نصرآباد و سرابی (۱۳۹۳) نیز بیان می‌کنند که مطالعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و ایده‌های فرزندآوری از آن‌رو مهم است که روند تغییرات باروری بستگی به چگونگی و نوع تغییر این فرایند دارد. از این‌رو، مطالعه حاضر می‌تواند

1- Örsal and Goldstein

2- Moyle

3- Kohler, Billari and Ortega

4- Hin, Gauthier, Goldstein and Buhler

5- Goldstein, Lutz and Testa

وضعیت ایده‌آل‌های خانواده در استان مرزی و متفاوت از بافت قومی - مذهبی جامعه ایران، یعنی کردستان را تا حدودی روشن کند.

چارچوب نظری

موضوع اقتصاد و باروری، موضوعی محوری از دید جمعیت‌شناسان از زمان مالتوس^۱ به بعد بوده است. اگرچه رویکردهای اقتصادی باروری، مخصوصاً به دلیل عدم سنجش‌پذیری و انطباق با داده‌ها یا ارائه فرض‌های غیرواقعی گرایانه درباره‌ی این‌که افراد چگونه در زمینه باروری تصمیم‌گیری و رفتار می‌کنند در سال‌های گذشته مورد انتقاد بوده‌اند، اما با ظهور و گسترش رفتار و ایده‌آل‌های باروری پایین، دوباره مورد توجه قرار گرفته‌اند (ویلر، ۲۰۱۱: ۵۶). چارچوب نظری این مقاله برگرفته از نظریه‌های اقتصاد خرد باروری، بی‌اطمینانی^۲ (نامنی) اقتصادی و فاصله‌ی بین آرمان‌ها (انتظارات) و واقعیات اقتصادی است.

فرض اساسی مدل‌های اقتصاد خرد این است که تصمیم‌گیرندگان، کنشگرانی عقلانی هستند (ویلر، ۲۰۱۱: ۵۹). رکودها و مشکلات اقتصادی می‌تواند بر افزایش درآمدها، امنیت شغلی و ارائه خدمات دولتی تأثیر منفی داشته، که این امر، افراد را درباره‌ی آینده با عدم قطعیت و بی‌اطمینانی مواجه می‌کند (وایت و واگنر^۳، ۱۹۹۵؛ کالدول و شیندلمایر^۴، ۲۰۰۳). محققان جمعیتی با اتکاء بر این فرض، استدلال می‌کنند که در درون خانوار برای افراد یا زوجین انتخاب عقلانی، آن خواهد بود که در مواجهه با بی‌اطمینانی اقتصادی، ازدواج را به تأخیر، یا فرزندآوری را محدودتر کرده و یا به تعویق بیندازند.

یکی از نظریه‌هایی که بر نامنی اقتصادی تأکید می‌کند، نظریه‌ی اجتناب از خطر^۵ است. نظریه اجتناب از خطر از نظریه انتخاب عقلانی و اقتصاد خرد خانوار ریشه می‌گیرد (فیوری و همکاران^۶، ۲۰۱۳: ۳۷۵). این نظریه بُعد بی‌اطمینانی اقتصادی را به فرایند تصمیم‌گیری اضافه

1- Tomas R. Malthus

2- Economic Uncertainty

3- Witte and Wagner

4- Caldwell and Schindlmayr

5- Risk Aversion Theory

6- Fiori, Rinesi, Pinnelli and Prati

می‌کند. بر این اساس، ممکن است افراد درک ضعیفی از فرصت‌ها و هزینه‌های مرتبط با انتخاب‌هایی که برای آینده در نظر می‌گیرند داشته باشند (فیوری و همکاران، ۲۰۱۳؛ سوبوتکا و همکاران، ۲۰۱۰). لذا، آن‌ها به نحوی تصمیم می‌گیرند که جریان آینده‌ی زندگی خود را تغییر دهند و از این‌رو، تصمیمات آن‌ها (در مورد فرزندآوری و امور دیگر) بستگی به جهت‌گیری‌های‌شان خواهد داشت (مک‌دونالد، ۱۹۹۶: ۳۸۸).

طبق نظریه اجتناب از خطر، با افزایش ناامنی (و بی‌اطمینانی) اقتصادی، افراد سرمایه‌گذاری بر اموری همچون تحصیلات، دستیابی به بازار کار، ساعت‌های طولانی کار و پس‌انداز - که مورد امنیت اقتصادی هستند - را در فکر می‌پروراند (بک، ۱۹۹۹؛ فیوری و همکاران، ۲۰۱۳). در واقع، تلاش برای افزایش سرمایه انسانی به‌عنوان یک استراتژی مطلوب برای اجتناب از خطر^۳ در شرایطی است که بازار کار آن، بسیار رقابتی و ناپایدار است (مک‌دونالد، ۲۰۰۸). تغییر ساختارهای اقتصادی و نسبت‌های بالای بیکاری، انگیزه‌ی افراد برای ماندن در تحصیلات و تداوم آن را افزایش می‌دهد (کوهلر و همکاران، ۲۰۰۶). به‌قول کراودال^۴ (۱۹۹۴)، درگیر تحصیلات بودن با فقدان استقلال اقتصادی همراه است، و این مسأله، در ظاهر ورود به اشتغال و بنابراین پذیرش هر نوع رفتار مرتبط با آن را به تأخیر می‌اندازد (ص ۲۵۸). از این‌رو، در حالی که بی‌اطمینانی اقتصادی بهانه‌ای عقلانی برای سرمایه‌گذاری روی تحصیلات است، بطورهمزمان دستاویزی برای تأخیر در تشکیل خانواده نیز می‌شود (مک‌دونالد، ۲۰۰۸).

مک‌دونالد (۱۹۹۶، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶)، یکی از محققانی است که به بسط نظریه اجتناب از خطر پرداخته است. به اعتقاد وی، جهانی شدن و افزایش سریع سطح تحصیلات، توقعات اقتصادی خانواده‌ها، به‌ویژه جوانان را بالا برده است. بطور همزمان، رقابتی شدن بازار کار منجر به تغییرات گسترده‌ای در درآمدها و ثبات شغلی آنان شده است. تجربه‌ی بالای بیکاری افراد با پس‌اندازهای پایین و فقدان موقعیت در بازار کار رقابتی و افزایش احساس ناامنی همراه است. قرار گرفتن در این شرایط به شدت احساس ریسک را بالا برده و، افراد مسیرهایی (مانند

1- Sobotka, Skirbekk and Philipov

2- Beck

3- Risk Aversion

4- Kravdal

تحصیلات و تجربه بازار کار) را دنبال می‌کنند که با خطر کمتری همراه بوده و در واقع، مسیر مناسبی برای اجتناب از خطر (تشکیل خانواده و فرزندآوری) بشمار می‌رود. بنابراین، در حالی که تشکیل خانواده و فرزندآوری هدف عمده‌ای برای اکثر مردم است، در سرمایه‌داری جدید مبتنی بر فرصت‌ها و ریسک‌های موجود، تاحدی تمایل به آن کاهش می‌یابد؛ در نتیجه، باروری واقعی پایین‌تر از ترجیحات و امیال فرزندآوری قرار می‌گیرد.

نامنی و بی‌اطمینانی اقتصادی می‌تواند توانایی افراد برای برآورده ساختن آرمان‌ها و انتظارات شخصی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. مطابق نظریه ایسترلین^۱، جوانان می‌خواهند به استانداردهایی از زندگی که در نظر دارند دست یابند. به عبارت دیگر، آن‌ها می‌خواهند دست‌کم به جایگاهی که والدین‌شان دارند برسند، بنابراین، تأکید این نظریه بر درآمد جوانان، نسبت به پدران‌شان (درآمد نسبی^۲) است (بلاو و همکاران^۳، ۲۰۰۲). در چنین شرایطی، افراد در واکنش به شرایط اقتصادی پیش‌رو به‌منظور دستیابی به استانداردهای مطلوب زندگی خود، ازدواج را به تأخیر انداخته و آن‌هایی که وارد بازار کار و زندگی خانوادگی می‌شوند ترجیحات باروری یا زمان‌بندی آن را تعدیل می‌کنند. بطور خلاصه، ایده اساسی در نظریه فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی یا شکاف بین آمال و منابع^۴ ایسترلین (۱۹۷۶)، آن است که اگر مردان جوان، - نان‌آوران بالقوه خانوار - بدست آوردن پول کافی برای استقرار زندگی ایده‌آل و واقعی خود یا همسران آینده را آسان ببینند، ازدواج کرده و فرزندآوری تشویق خواهد شد. از طرف دیگر، اگر بدست آوردن پول کافی برای پشتیبانی از سبک مطلوب و مد نظر زندگی سخت باشد، فشار اقتصادی موجود منجر به تعویق ازدواج خواهد شد، و برای آن‌هایی که هم‌اکنون ازدواج کرده هستند، منجر به استفاده از وسایل پیشگیری برای اجتناب از فرزندآوری می‌شود. مطابق با دیدگاه ایسترلین (۱۹۷۸)، درآمد نسبی تحت تأثیر ساختار سنی جمعیت واقع در سن کار نیز هست. به‌عنوان مثال، یک نسل عظیمی که وارد بازار کار می‌شود (در صورتی که عرضه نیروی کار بیش از تقاضا باشد)، باعث تنزل دستمزدها می‌شود. در شرایط کنونی ایران، علاوه بر موارد یاد شده

1- Easterlin

2- Relative Income

3- Blau, Ferber and Winkler

4- Conflict between Aspirations and Resources Theory

مکانیزم‌های دیگری همچون افزایش رقابت در بازار کار، حرکت اقتصاد به سمت خصوصی‌سازی و افزایش مشاغل موقت، موجب کاهش دستمزدها و در نتیجه تأخیر بیشتر برنامه‌های ازدواج و فرزندآوری جوانان می‌شود.

البته، بسیاری از محققان اظهار کرده‌اند که رابطه بین شرایط اقتصادی و ازدواج یا داشتن فرزند ممکن است عمومیت نداشته باشد. بعبارت دیگر، تأثیر شرایط اقتصادی نمی‌تواند جدای از دیگر عوامل مؤثر بر باروری، همچون نظام‌های هنجاری و ارزشی مرتبط با والدین و فرزندان، یا زمینه‌های نهادی و فرهنگی، و یا فشارهای اجتماعی دیده شود (برناردی، کیم و لیپه^۱ ۲۰۰۷؛ برناردی، کلارنر و لیپه^۲ ۲۰۰۸؛ راسیر و برناردی^۳ ۲۰۰۹؛ آنخو، بوش و رابری^۴ ۲۰۱۰؛ میلز و بلاسفلد^۵ ۲۰۰۵). بنابراین، ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی - اقتصادی افراد می‌تواند رابطه‌ی بین شرایط اقتصادی و رفتار و ایده‌آل‌های باروری و ازدواج را تعدیل کند.

پیشینه تحقیق

در خارج از ایران، تحقیقات فراوانی، موضوع ناامنی اقتصادی و نقش آن در شکل‌گیری رفتار و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری را بررسی کرده‌اند که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود. دی‌لانگ و همکاران^۶ (۲۰۱۴) در هلند تأثیر ناامنی‌های کلان اقتصادی و ناامنی شغلی فردی بر تأخیر تشکیل خانواده و به دنیا آوردن فرزند اول را بررسی کرده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که ناامنی کلان اقتصادی عامل تعیین‌کننده‌ای برای تأخیر در تشکیل خانواده است، اما تأثیری بر تأخیر تولد فرزند اول ندارد. البته، روابط یاد شده برحسب ناامنی شغلی فردی معنی دار نبوده است.

فیوری و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که در ایتالیا، نظریه اجتناب از خطر به‌ویژه در شکل دادن به مقاصد و نیات کوتاه‌مدت باروری تبیین‌کننده است. لیتابلایر و سالیس^۷ (۲۰۱۳) تأثیر ناامنی اقتصادی را بر تشکیل خانواده و باروری در میان جوانان دو کشور

- 1- Bernardi, Keim and Lippe
- 2- Bernardi, Klarner and Lippe
- 3- Rossier and Bernardi
- 4- Anxo, Bosch and Rubery
- 5- Mills and Blossfeld
- 6- De Lange, Wolbers, Gesthuizen and Ultee
- 7- Letablier and Salles

آلمان و فرانسه مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که در فرانسه، نامنی در موقعیت شغلی و مالی اثر ناچیزی بر نیات باروری و تحقق آن‌ها دارد، در حالی که در آلمان به شدت اثرگذار است. محققان یاد شده، اثرگذاری متفاوت نامنی اقتصادی بر برنامه‌های باروری را با تفاوت‌های موجود در بُعد جنسیتی، حمایت‌های دولت، هزینه‌ها و فشارهای مراقبت از کودک در دو کشور تبیین کرده‌اند، که حکایت از نقش تعدیل‌کنندگی نهادهای اجتماعی و فرهنگی دارد.

مودنا و همکاران^۱ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ی خود تفاوت بین رفتار و ایده‌آل‌های باروری در ایتالیا را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها در تأیید نظریه اجتناب از خطر به این نتیجه رسیدند که بی‌ثباتی وضعیت شغلی زنان و نامنی در ثروت خانوار بطور معنی‌داری بر تأخیر و حتی توقف فرزندآوری اثرگذار است. میلز و بلاسفلد (۲۰۰۳) با تأکید بر افزایش بی‌اطمینانی اقتصادی ناشی از جهانی شدن در جریان‌های زندگی جوانان ۱۴ کشور توسعه‌یافته، دریافته‌اند که جوانان با توجه به بافت نهادی و ساختاری جامعه‌ی خویش، در برابر بی‌اطمینانی یاد شده به صورت عقلانی واکنش نشان داده‌اند. بعنوان مثال، با استراتژی‌هایی همچون ماندن در تحصیلات، ورود دیرنگام به بازار کار و به تعویق انداختن تشکیل خانواده، گذار به بزرگسالی را دیرتر تجربه می‌کنند. یا برای تأمین منابع مالی تداوم تحصیلات خویش، و همچنین برای هموار کردن ورود خود به بازار کار، همزمان با تحصیل، به کار پاره‌وقت نیز می‌پردازند؛ و یا به جای برگزیدن روابط زناشویی پایدار - که مستلزم زمان بیشتر و منابع مالی مطمئن‌تر است - همخانگی^۲ را انتخاب می‌کنند. البته، راهبردهای جوانان در مقابل بی‌اطمینانی‌ها برحسب جنسیت متفاوت بوده است.

در ایران، مطالعات اندکی در این حوزه انجام گرفته‌اند. عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۳) دریافته‌اند که حدود ۱۰/۵ و ۶۵ درصد از زنان ایرانی، به ترتیب یک و دو فرزند را برای زوجین ایده‌آل دانسته‌اند. همچنین، از کل زنانی که یک یا دو فرزند را برای یک زوج ایده‌آل دانسته بودند، به ترتیب ۶۸/۵ و ۶۲/۵ درصدشان، دلیل اصلی خود برای این ایده‌آل‌ها را افزایش هزینه‌های زندگی عنوان کرده بودند. همچنین، عباسی شوازی و همکاران^۳ (۲۰۰۹) نشان دادند که در نگرش‌های افراد درباره داشتن

1- Modena, Rondinelli and Sabatini

2- Cohabitation

3- Abbasi-Shavazi, McDonald and Hosseini-Chavoshi

تعداد اندک فرزند یا نداشتن فرزندان زیاد، انگیزه‌های اقتصادی برجسته هستند، و زوجین، دلایل ایده - آل بودن دو فرزند را به مسائلی چون افزایش هزینه‌های خانواده و فرزندان و کیفیت فرزندان نسبت می‌دهند. آن‌ها افزایش مسائل اقتصادی و آمال و انتظارات اقتصادی خانواده‌ها را یکی از دلایل احتمالی تأخیر در ازدواج و فرزندآوری و همچنین تداوم کاهش باروری در ایران دانسته‌اند.

ایگل و صالحی اصفهانی^۱ (۲۰۱۰) نیز، در مطالعه خود دریافتند که در گذار جوانان ایرانی به ازدواج، ثبات شغلی مهم‌ترین تعیین‌کننده‌ی سن ازدواج است. شیدانی (۱۳۹۲) در مطالعه خود به تأثیر معنی‌دار متغیرهای اقتصادی از قبیل فقدان درآمد کافی، ناامنی شغلی و اعتقاد به وضعیت بد اقتصادی کشور، بر روی گرایش به تعداد فرزند کمتر در میان زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر ساکن تهران دست یافت. معینی و همکارانش (۱۳۹۱ و ۲۰۱۴) نیز، در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسیدند که بالاتر بودن سرانه حقیقی مخارج تحصیلی خانواده و بالاتر بودن هزینه اجاره مسکن در هر دو سطح خانواده و استان، از عوامل مهم مؤثر بر عدم تقاضای فرزند دوم در خانواده‌های ایرانی است.

مطالعه‌ی حاضر ضمن اینکه از نظر ملاحظات نظری، روشی و داده‌ای از تحقیقات پیشین بهره لازم را برده است، بطور ویژه به بررسی رابطه بین ناامنی اقتصادی حاکم بر خانوار و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری زنان و جوانان هرگز ازدواج نکرده در شهرستان سنندج می‌پردازد. این مطالعه از آنجا اهمیت دارد که در جامعه ایران به ناامنی‌های اقتصادی در سطح خانوار و ارتباط آن با ایده‌آل‌های ازدواج و باروری به‌ویژه در مقیاس نسلی کمتر توجه شده است.

روش تحقیق و داده‌ها

داده‌های این مطالعه برگرفته از "پیمایش ایده‌آل‌ها و رفتارهای باروری سنندج" است که در پاییز سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. پیمایش مذکور به شیوه‌ی میدانی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته در میان خانوارها انجام شد و در هر خانوار دست‌کم دو پاسخگو (سرپرست و زن ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر سرپرست و در صورت وجود جوان ۲۹-۱۵ ساله هرگز ازدواج نکرده) را در برگرفته است. لازم به ذکر است که پرسشنامه‌های پیمایش با کمک

1- Egel and Salehi-Isfahani

پرسشنامه‌های مطالعات قبلی^۱ طراحی و تدوین شد. بعلاوه، در میدان تحقیق به صورت مقدماتی به اجرا درآمد. در پیمایش مذکور، جامعه آماری تحقیق شامل کلیه خانوارهای معمولی ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان سنندج، و مطابق با نتایج سرشماری ۱۳۹۰ برابر با، ۱۲۶۸۶۱ خانوار بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). حجم نمونه‌ی پیمایش با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۵۰۰ خانوار (۳۳۶ خانوار شهری و ۱۶۴ خانوار روستایی) برآورد گردید، و خانوارهای نمونه با ترکیبی از روش‌های طبقه‌ای متناسب و نامتناسب، خوشه‌ای یک‌مرحله‌ای و تصادفی سیستماتیک برگزیده شدند.

در مقاله حاضر و به اقتضای موضوع مورد مطالعه، برای انجام تحلیل‌ها، صرفاً زیرنمونه‌ای از زنان واجد شرایطی که دارای حداقل یک فرزند (اعم از پسر و دختر)، هرگز ازدواج نکرده‌ی واقع در سنین ۲۹-۱۵ ساله بوده‌اند، انتخاب شدند. به این ترتیب، ۲۱۰ مادر و ۲۱۰ جوان هرگز ازدواج نکرده که امکان هم‌تا نمودن و پیوند زدن اطلاعات آن‌ها در فایل داده‌های اصلی پیمایش وجود داشت، انتخاب گردید و به بررسی رابطه نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری دو نسل پرداخته شد.

مفاهیم و متغیرهای مطالعه

نامنی اقتصادی عینی و ذهنی افراد خانوار، فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی، ایده‌آل‌های ازدواج و باروری و ویژگی‌های جمعیتی زن و جوان خانوارهای مورد مطالعه، مفاهیم و متغیرهای اصلی این مطالعه به‌شمار می‌روند که در جداول ۱ تا ۴، تعریف عملیاتی و نحوه‌ی سنجش آن‌ها آمده است. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۱. *نامنی اقتصادی عینی*: وسترن و دیگران^۳ (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای ضمن تعریف نامنی اقتصادی با عنوان "خطر زیان اقتصادی پیش‌روی افراد و خانوارها به طوری که آن‌ها با وقایعی غیر قابل پیش‌بینی در زندگی اجتماعی مواجه می‌شوند"، به ارائه چارچوبی چهاربخشی برای

۱- این مطالعات عبارت بودند از: طرح تحولات باروری در ایران ۱۳۸۱، پیمایش ملی جوانان ۱۳۹۲، بررسی ویژگی‌های جمعیتی و بهداشتی ایران ۱۳۸۹، و طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی - اقتصادی خانوار ۱۳۸۳.

2- Objective Economic Insecurity

3- Western, Bloom, Sosnaud and Tach

مطالعه نامنی اقتصادی پرداخته‌اند. در این مطالعه با الهام از چارچوب مطالعه وسترن و همکارانش، در سطح خانوار، نامنی اقتصادی را هم از بُعد عینی و هم از بُعد ذهنی مورد بررسی قرار داده‌ایم.

در بُعد عینی برای خانوار، ابتدا با سؤال از شغل دقیق سرپرست خانوار، جایگاه شغلی وی به سه طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم شد. وضعیت شغلی زن نیز، در دو گروه عمده شاغل و غیرشاغل مشخص شد. سپس، با ترکیب جایگاه شغلی سرپرست و وضعیت شغلی زن، متغیر سطح نامنی شغلی در سه مقوله پایین (شامل زن شاغل - سرپرست در جایگاه شغلی بالا و یا زن شاغل - سرپرست در جایگاه شغلی متوسط)، متوسط (شامل زن شاغل - سرپرست در جایگاه شغلی پایین، زن غیرشاغل - سرپرست در جایگاه شغلی بالا، و یا زن غیرشاغل - سرپرست در جایگاه شغلی متوسط) و بالا (شامل زن غیرشاغل - سرپرست در جایگاه شغلی پایین و یا سرپرست غیرشاغل - زن شاغل و غیرشاغل) مشخص شده و خانوارها به این سه طبقه نسبت داده شده‌اند.

بُعد دیگر نامنی اقتصادی عینی، سنجش توانایی کلی خانوار، برای مقابله با حوادث نامساعد اقتصادی احتمالی در آینده است. در این زمینه، به سه جنبه متمایز سطح قدرت خرید، وضعیت مالکیت مسکن و میزان دریافت حمایت از شبکه خانواده توجه کردیم. جنبه اول از ترکیب پاسخ‌های داده شده به سؤالاتی غیرمستقیم شامل: «طی چند سال گذشته، هزینه‌های زندگی‌تان چه تغییری کرده است؟» و «اگر افزایش یافته است، آیا ناشی از رشد درآمدها بوده است یا ناشی از افزایش تورم و گرانی؟»، و سؤال مستقیم شامل: "به طور کلی، قدرت خرید شما در شرایط کنونی نسبت به قبل چگونه است؟"، سنجیده شد. وضعیت مالکیت مسکن نیز، که به عنوان شکل دیگری از تضمین (امنیت) در برابر ریسک‌های اقتصادی دیده می‌شود، مورد پرسش قرار گرفت و پاسخ‌ها در سه مقوله مالکیت شخصی، مجانی و سازمانی، و استیجاری طبقه‌بندی گردید. جنبه سوم، توانایی کلی خانوار برای مقابله با حوادث نامساعد اقتصادی، سنجش میزان حمایت دریافتی از شبکه خانواده (خانواده والدین) بود. این متغیر حاصل ترکیب اطلاعات گردآوری شده از سؤالی بدین صورت بود که زوجین در کدام یک از موارد (در هنگام مضیقه مالی، در کارهای منزل، و ...) از اطرافیان، به ویژه خانواده والدین (والدین خود و همسر) کمک دریافت کرده یا می‌کنند؟ همچنین، نظر به احتمال متفاوت بودن وزن ابعاد نامنی اقتصادی عینی در شهر و روستا، از پنج تن از اساتید

نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری ۷۵

حوزه علوم اجتماعی، برای اولویت‌بندی ابعاد و وزن‌دهی مقوله‌ها در کُذگذاری و شاخص‌سازی نهایی کمک گرفته شد (نگاه شود به بخش اول جدول ۱).

برای سنجش وضعیت نامنی اقتصادی عینی جوان هرگز ازدواج‌نکرده خانوار نیز، از دو سؤال در ارتباط با "وضع فعالیت" و "بیشترین نگرانی جوان در حال حاضر" استفاده کردیم و شاخص نهایی نامنی اقتصادی عینی جوان ازدواج‌نکرده، مشابه با رویکرد فوق ایجاد گردید (نگاه شود به بخش دوم جدول ۱).

نحوه سنجش و عملیاتی کردن متغیر نامنی اقتصادی عینی خانوار و جوان هرگز ازدواج‌نکرده، وزن‌دهی مقوله‌ها براساس نظر متخصصان و دامنه تغییرات متغیر در جدول ۱ آورده شده است.



جدول ۱: نحوه سنجش و عملیاتی کردن متغیر ناامنی اقتصادی عینی افراد خانوار، پیمایش رفتار و ایده‌آل‌های باروری سندج ۱۳۹۳

مفهوم	بُعد سنجش	نحوه سنجش و ایجاد متغیر	مقوله‌ها و میانگین وزن هر یک براساس نظر متخصصان			متغیر فرعی	متغیر نهایی و دامنه تغییرات
			مقوله‌ها	شهر	روستا		
ناامنی اقتصادی خانوار	۱- شغل	سؤال از شغل سرپرست و رتبه‌بندی آن در جایگاه بالا، متوسط، پایین، همچنین سؤال در مورد وضعیت شغلی زن (شاغل و غیر شاغل) و ترکیب وضعیت شغلی سرپرست و زن	پایین	۱/۲	۱	از ترکیب چهار متغیر فرعی شاخص ناامنی اقتصادی عینی خانوارها در مقیاس فاصله‌ای ایجاد شد. در شهر حداقل مقدار (۵/۷۵)، حداکثر مقدار (۱۸/۹۵) و دامنه تغییرات متغیر (۱۳/۲)، و در روستا به ترتیب (۶/۱۵)، (۱۷) و (۱۰/۸۵) بوده است.	
		متوسط	۲/۸	۲			
		بالا	۴/۹	۵			
ناامنی اقتصادی خانوار	۲- توان خرید	طرح سه سؤال از سرپرست در مورد تغییر یا عدم تغییر هزینه‌های زندگی نسبت به قبل و علت آن، و سؤال مستقیم در مورد توان خرید امکانات و نیازهای ضروری و مقوله‌بندی مجدد پاسخ‌ها	بالا	۱	۱/۴	سطح قدرت خرید خانوار	
		متوسط	۲/۵	۲/۴			
		پایین	۵	۴/۵			
ناامنی اقتصادی خانوار	۳- مسکن	سؤال از سرپرست در مورد وضعیت مالکیت مسکن و مقوله‌بندی مجدد پاسخ‌ها	شخصی	۱/۵	۲	وضعیت مالکیت مسکن	
		مجانمی و سازمانی	۲/۶	۳			
		رهتی و اجاره‌ای	۳/۵	۵			

نامی اقتصادی عینی جوان ازدواج نکرده	۱- شغل	۲- وضعیت مالی
سؤال از زن در مورد دریافت یا عدم دریافت حمایت از خانواده والدین در مواردی از قبیل مضیقه مالی، کارهای منزل، و ... و مقوله‌بندی مجدد پاسخ‌ها	سؤال از شغل جوان و مقوله‌بندی آنان در سه وضعیت جدید	سؤال از زن در مورد دریافت یا عدم دریافت حمایت از خانواده والدین در مواردی از قبیل مضیقه مالی، کارهای منزل، و ... و مقوله‌بندی مجدد پاسخ‌ها
شاغل یا دارای درآمد بدون کار یا سایر (پایین) محصل / دانشجو یا خانه‌دار (متوسط) بیکار در جستجوی کار (بالا)	عدم نگرانی یا سایر مشکلات (پایین) نداشتن چشم‌انداز روشن در زمینه اشتغال، ازدواج و ...، مشکلات تحصیلی، خانوادگی و سایر (متوسط) نداشتن شغل یا شغل مناسب، مسائل مالی و اقتصادی، مشکل مسکن و سایر مشکلات (بالا)	عدم دریافت یا فقط دریافت حمایت غیر مالی دریافت حمایت مالی دریافت حمایت مالی و غیر مالی
از ترکیب دو متغیر فرعی شاخص یا میزان نامی اقتصادی عینی جوانان در مقیاس فاصله‌ای ایجاد شد. حداقل مقدار شاخص (۱۵/۳۵)، حداکثر مقدار آن (۱۳/۸۵) و دامنه تغییرات متغیر (۱۳/۸۵) بوده است.	سطح نامی شغلی ۱ ۳/۶ ۵ ۰/۵ ۴/۳ ۱۰/۳	دریافت حمایت از شبکه خانواده ۱/۷ ۲/۹ ۴ ۲ ۳ ۴

۲. **نامی اقتصادی ذهنی^۱ (احساس نامی اقتصادی):** از بُعد ذهنی، نامی اقتصادی خانوار را با طرح ۱۷ گویه درباره‌ی سطح نگرانی افراد (سرپرستان خانوار) در مورد امور هزینه‌ها، مالی و درآمدی، شغلی و مسکن مورد بررسی قرار دادیم. در واقع، از آنان خواستیم که در هر کدام از ابعاد و گویه‌های مورد سنجش سطح نگرانی خود را مشخص کنند. در مرحله بعد، با جمع نمره‌ی گویه‌ها، شاخص نامی اقتصادی ذهنی خانوارها در مقیاس فاصله‌ای ایجاد شد (بخش اول جدول ۲).

1- Subjective Economic Insecurity

جدول ۲: ابعاد، گویه‌ها، مقوله‌ها و میانگین وزن گویه‌های هر بُعد برای سنجش متغیر ناامنی اقتصادی ذهنی سرپرست و جوان هرگز ازدواج‌نکرده خانوار، پیمایش رفتار و ایده‌آل‌های باروری سنندج، ۱۳۹۳

مقوله‌ها و میانگین وزن آن‌ها براساس نظر متخصصان											
ابعاد ناامنی اقتصادی ذهنی		گویه‌ها		بسیار نگرانم اندکی نگرانم خیلی نگران اصلاً نگران نیستم نیستم							
				شهر روستا		شهر روستا		شهر روستا			
سرپرست خانوار	بُعد شغلی	از دست دادن شغل در آینده نزدیک، (۲) امکان عدم تمدید قرارداد در شغل از سوی کارفرما، (۳) اخراج از شغل فعلی و (۴) نیافتن شغل در صورت از دست دادن	۴/۵	۴/۸	۴	۴/۴	۲	۲/۶	۱/۵	۱/۳	
			بُعد زندگی در هنگام بیماری	۴/۸	۵	۳/۷	۳/۵	۲/۳	۲/۱	۱/۲	۱
	بُعد مسکن	۵		۴/۲	۴	۳/۴	۲	۲/۶	۱	۱/۸	
		بُعد درآمدی و اقتصادی خود به‌طور کلی	۵	۴/۹	۴	۴/۱	۲	۲	۱	۱/۲	
	حداکثر و حداقل مقدار و دامنه تغییرات مورد انتظار در شهر به‌ترتیب:		(۶۳/۱۵)، (۱۹/۶)، (۸۲/۷۵)، (۷۹/۹)، (۲۳/۸۵)، (۵۶/۰۵)								
		حداکثر و حداقل مقدار و دامنه تغییرات مورد انتظار در روستا به‌ترتیب:									
	بُعد ازدواج‌نکرده		(۱) بیکاری یا پیدا نکردن شغلی مناسب با منبع درآمد ثابت، (۲) پیدا نکردن شغلی مناسب یا پُر درآمد بعد از اتمام تحصیلات، (۳) (در صورت شاغل بودن) احتمال از دست دادن شغل در آینده نزدیک و (۴) پیدا نکردن شغل در صورت از دست دادن شغل فعلی	۴/۷	۴/۲	۲/۳	۱/۴				

مقوله‌ها و میانگین وزن آن‌ها براساس نظر متخصصان					
ابعاد نامنی اقتصادی ذهنی	گویه‌ها	بسیار نگرانم	اندکی نگرانم	خیلی نگران اصلاً نگران نیستم	
شهر روستا	شهر روستا	شهر روستا	شهر روستا	شهر روستا	
۵) عدم تأمین هزینه‌های ضروری زندگی خود به‌تنهایی، ۶) نداشتن چشم‌انداز روشن مالی	بُعد هزینه‌های ضروری	۴/۶	۳/۷	۲/۳	۱/۴
۷) عدم توان پرداخت اجاره مسکن در صورت تشکیل خانواده و ۸) پیدا نکردن مسکن مناسب در صورت تشکیل خانواده					
۹) عدم توان دستیابی به مالکیت مسکن در بُعد مالی و آینده، ۱۰) عدم وجود استقلال مالی، ۱۱) درآمدی نداشتن پشتوانه مالی و ۱۲) موقعیت مالی و اقتصادی خود یا خانواده		۴/۹	۴	۲	۱/۱
حداکثر و حداقل مقدار و دامنه تغییرات مورد انتظار به‌ترتیب: (۴۱/۱۲)، (۱۵/۸۴)، (۵۶/۹۶)					

برای سنجش شاخص نامنی اقتصادی ذهنی جوان هرگز ازدواج نکرده‌ی خانوار هم، از همان گویه‌های پیش‌گفته استفاده کردیم. البته ضمن کاهش گویه‌ها از ۱۷ به ۱۲ گویه، تغییرات جزئی دیگری در آن‌ها به‌وجود آمد و از جوانان خواستیم که در هر کدام از ابعاد و گویه‌های مورد سنجش سطح نگرانی خود را مشخص کنند. در این مورد هم، میانگین نمره گویه‌های هر بُعد به‌صورت وزنی مبنای کُدگذاری و شاخص‌سازی نهایی قرار گرفت. با جمع یا ترکیب نمره‌های هر ۱۲ گویه شاخص نامنی اقتصادی ذهنی جوان در مقیاس فاصله‌ای ایجاد شد (نگاه شود به بخش دوم جدول ۲). در جدول ۲، ابعاد، گویه‌ها، مقوله‌ها و میانگین وزن گویه‌های هر بُعد برای سنجش متغیر نامنی اقتصادی ذهنی سرپرست و جوان هرگز ازدواج نکرده خانوار آمده است.

۳. فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی: معنای اصلی این مفهوم به‌قول رابرت گِر (۱۳۷۷: ۵۴)، عبارت است از "اختلاف منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت". عبارت دیگر، فاصله‌ای است که میان انتظارات افراد و واقعیات پیش‌روی آن‌ها وجود دارد. برای سنجش این متغیر، از یک سؤال استاندارد - برگرفته از پیمایش طرح تحولات باروری ایران (۱۳۸۱) -

1- The Gap between Economic Resources and Aspirations

استفاده شد. همچنین، موارد مدنظر بر اساس نظر متخصصان امر برحسب منطقه تعدیل شد، بطوری که برای ساکنان شهر ۲۳ آیتم و برای ساکنان روستا ۱۴ آیتم مورد سؤال قرار گرفت. در این سؤال، از زنان خانوار در مورد مالکیت کالاها و چیزهای باارزش و میزان ضرورت این موارد برای زندگی خود و فرزند یا فرزندان شان پرسیده شد. در جدول ۳، نحوه سنجش و عملیاتی کردن مفهوم فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی و دامنه تغییرات آن آمده است. لازم به ذکر است که این متغیر به صورت کلی برای خانوار سنجیده شد.

جدول ۳: نحوه سنجش متغیر فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی، پیمایش رفتار و ایده آل‌های باروری سنج،

۱۳۹۳

سؤال از زن ۴۹-۱۵	موارد برحسب منطقه (مالکیت دارند کُد ۱، مالکیت ندارند کُد ۰) (بسیار مفهوم ساله دارای همسر ضروری است کُد ۱، خیلی ضروری نیست یا ضروری نیست کُد ۰)	
خانوار	شهر	روستا
۱) منزل مسکونی، ۲) خودرو، ۳) حساب ۱) خودرو، ۲) شغل و درآمد پس‌انداز / اوراق مشارکت، ۴) تحصیلات بالا، ۵) بالا، ۳) مقام و جایگاه اجتماعی	شما یا همسرتان شغل و درآمد بالا، ۶) مقام و جایگاه اجتماعی بالا، ۴) مستغلات، ۵) طلا و مالک کدامیک از ۷) مستغلات، ۸) کارگاه / مغازه / کارخانه، ۹) طلا جواهرات، ۶) یخچال فریزر، ۷) موارد زیر هستید؟ و جواهرات، ۱۰) یخچال فریزر، ۱۱) وسایل برقی وسایل برقی آشپزخانه، ۸) ضرورت آن‌ها برای آشپزخانه، ۱۲) تلویزیون رنگی (ال ای دی یا ال تلویزیون رنگی (ال ای دی یا زندگی خود (و سی دی)، ۱۳) دستگاه ویدئو یا سی دی، ۱۴) ال سی دی، ۹) دستگاه ویدئو فرزند یا فرزندان‌تان) تلفن، ۱۵) دو چرخه یا موتورسیکلت، ۱۶) رایانه، یا سی دی، ۱۰) تلفن، ۱۱) دو چقدر است؟ ۱۷) فرش دستباف، ۱۸) جارو برقی، ۱۹) ماشین چرخه یا موتور سیکلت، ۱۲) ظرف‌شویی، ۲۰) ماشین لباس‌شویی، ۲۱) هود، رایانه، ۱۳) جارو برقی، ۱۴) ۲۲) تلفن همراه، ۲۳) مبل‌مان همراه تلفن	ابتدا، تفاضل نمره ضرورت و نمره مالکیت تک‌تک آیت‌ها بدست آمد. سپس، با دادن وزن به آیت‌های مهم‌تر، تفاضل (فاصله‌های مثبت با هم جمع شدند. در نهایت، نمره فاصله برای شهر بر ۲۳ و نمره فاصله برای روستا بر ۱۴ تقسیم و متغیر نهایی در مقیاس فاصله‌ای ایجاد شد. براساس رویه مورد استفاده، حداقل مقدار شاخص (۰) و حداکثر مقدار آن (۰/۸۷) بوده است.

نصیبه بین واقعیات و انتظارات اقتصادی

نحوه ایجاد متغیر و دامنه تغییرات

نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری ۸۱

۴. ایده‌آل‌های ازدواج و باروری: ایده‌آل‌های ازدواج و باروری، بازنمای آرزوها یا خواسته‌های افراد در زندگی فرزندآوری هستند (میلر^۱، ۱۹۹۴: ۲۲۸)، و پایه‌های انگیزشی نیات رفتاری یا اهداف فرموله‌شده ازدواج را فراهم می‌آورند (پروگینی و باگوزی^۲، ۲۰۰۱). در مطالعه حاضر، این ایده‌آل‌ها را از دو جنبه ازدواج و فرزندآوری، به صورتی که در بخش اول جدول ۴ آمده است، سنجیده‌ایم.

۵. ویژگی‌های جمعیتی، شامل محل تولد و سکونت (شهر، روستا)، سن، زبان مورد تکلم (کردی، سایر)، مذهب (سنی، شیعه)، تحصیلات (بی‌سواد، سوادآموزی و ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دیپلم، دانشگاهی)، و وضعیت اشتغال (شاغل و غیرشاغل) که مربوط به زنان و جوانان مورد مطالعه می‌باشند (نگاه شود به بخش دوم جدول ۴).

جدول ۴: ایده‌آل‌های ازدواج و باروری، ویژگی‌های جمعیتی، و نحوه سنجش آن‌ها تا سطح عملیاتی

مفهوم	متغیر	نحوه سنجش، مقوله‌ها و کدبندی
ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری	۱- نگرش در مورد موقعیت مناسب برای ازدواج (به عقیده شما، مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج پسر و دختر کدام است؟)	برای پسران: بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی (۱)، بعد از اشتغال به کار (۲)، در صورت داشتن شرایط مالی مناسب (۳)، بعد از اتمام دوره سربازی (۴)، سایر (۵)
	۲- نگرش در مورد سن مناسب برای ازدواج	به نظر شما، بهترین سنی که پسر و دختر می‌توانند ازدواج کنند، حداقل و حداکثر چه سنی است؟
	۳- نگرش در مورد تعداد فرزند ایده‌آل برای هر زوج در حال حاضر	به نظر شما، امروزه برای هر زن و شوهر چند فرزند کافی است؟
	۴- نگرش در مورد فاصله‌گذاری بین فرزندان به سال	به نظر شما، فاصله سنی بین فرزندان به‌طور متوسط چند سال باید باشد؟
ویژگی‌های جمعیتی	۱- محل تولد:	شهر (۱)، روستا (۲)
	۲- محل سکونت:	شهر (۱)، روستا (۲)
	۳- سن:	به صورت باز و در مقیاس فاصله‌ای
	۴- زبان مورد تکلم:	کردی (۱)، سایر (۲)
	۵- مذهب:	سنی (۱)، شیعه (۲)
	۶- سطح تحصیلات:	بی‌سواد (۱)، سوادآموزی و ابتدایی (۲)، راهنمایی (۳)، متوسطه و دیپلم (۴)، دانشگاهی (۵)
	۷- وضعیت اشتغال:	شاغل (۱)، غیرشاغل (۲)

1- Miller

2- Perugini and Bagozzi

لازم به ذکر است که برای تحلیل داده‌ها از روش‌های تک‌متغیره شامل توزیع فراوانی، حداقل و حداکثر مقدار و میانگین برای توصیف متغیرها استفاده شد. سپس در روابط دومتغیره، برای بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای نامنی اقتصادی و فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی از یک طرف، و متغیر وابسته (ایده‌آل‌های ازدواج و باروری) از طرف دیگر، از آزمون همبستگی پیرسون^۱ استفاده شد. در نهایت، با انجام تحلیل رگرسیون چندمتغیره^۲ سعی شد با ثابت نگه داشتن تأثیر متغیرهای جمعیتی، اهمیت نسبی تأثیر نامنی اقتصادی بر ایده‌آل‌های ازدواج و باروری دو نسل فرزندان و مادران بررسی شود.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

اولین بخش از یافته‌های تحقیق به توصیف ویژگی‌های جمعیتی دو نسل مادران و فرزندان اختصاص دارد. این ویژگی‌ها در جدول شماره ۵ منعکس شده است. نتایج مرتبط با محل تولد پاسخگویان گویای دو نکته است: اول، بسیاری از مادران (حدود ۵۲ درصد) از زمینه روستایی برخوردارند، یعنی متولد یا بزرگ‌شده روستا هستند، در حالی که اکثریت فرزندان، یعنی ۶۹ درصد در محیط شهری متولد شده و رشد و نمو یافته‌اند؛ دوم، بسیاری از مادران به‌واسطه‌ی ازدواج یا همراه خانوار، از محیط اولیه خود مهاجرت کرده‌اند، در صورتی که این وضعیت برای فرزندان صدق نمی‌کند.

طبق نتایج جدول، ۱۶۱ نفر (معادل حدود ۷۶/۵ درصد) از مادران و فرزندان پاسخگو در شهر (سندج)، و بقیه در نقاط روستایی شهرستان سکونت داشته‌اند. این ارقام با نسبت جمعیت شهرنشین و روستانشین شهرستان، که به ترتیب معادل ۸۳/۵ و ۱۶/۵ درصد است، همخوانی نسبی دارد.

-
- 1- Pearson Correlation
 - 2- Multiple Regression

نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری ۸۳

جدول ۵: ویژگی‌های جمعیتی دو نسل مادران (زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر) و فرزندان (جوانان ۲۹-۱۵ ساله هرگز ازدواج نکرده) شهرستان سنندج

فرزندان		مادران		مقوله‌ها	
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۶۹/۰	۱۴۵	۴۸/۱	۱۰۱	شهر	محل تولد
۳۱/۰	۶۵	۵۱/۹	۱۰۹	روستا	
۷۶/۷	۱۶۱	۷۶/۷	۱۶۱	شهر	محل سکونت
۲۳/۳	۴۹	۲۳/۳	۴۹	روستا	
سال ۲۰/۵		سال ۴۲/۷		میانگین سنی	
۹۵/۲	۲۰۰	۹۲/۹	۱۹۵	کردی	زبان مورد تکلم
۴/۸	۱۰	۷/۱	۱۵	سایر	
۹۰/۰	۱۸۹	۸۷/۱	۱۸۳	سُنی	مذهب
۱۰/۰	۲۱	۱۲/۹	۲۷	شیعه	
۰/۰	۰	۳۱/۰	۶۵	بی‌سواد	سطح تحصیلات
۳/۸	۸	۲۹/۰	۶۱	سوادآموزی و ابتدایی	
۹/۰	۱۹	۱۵/۷	۳۳	راهنمایی	
۴۱/۰	۸۶	۱۰/۰	۲۱	متوسطه و دیپلم	
۴۶/۲	۹۷	۱۴/۳	۳۰	دانشگاهی	
	۱۳/۴		۶/۲	میانگین تعداد سال‌های تحصیل	
۱۰/۵	۲۲	۱۱/۰	۲۳	شاغل	وضعیت اشتغال
۸۹/۵	۱۸۸	۸۹/۰	۱۸۷	غیرشاغل	
۱۰۰/۰	۲۱۰	۱۰۰/۰	۲۱۰	جمع	

میانگین سنی مادران مورد مطالعه حدود ۴۲/۵ سال، و میانگین سنی فرزندان آن‌ها ۲۰/۵ سال است. نتایج مرتبط با زبان مورد تکلم و مذهب پاسخگویان حاکی از آن است که، اکثریت مادران و فرزندان مورد مطالعه با زبان کردی تکلم می‌کنند (بیش از ۹۳ درصد) و مذهب اکثریت آن‌ها (بیش از ۸۷ درصد) سُنی است. نتایج مرتبط با وضعیت تحصیلات مادران و فرزندان، نشان‌دهنده شکاف و فاصله عمیق در بین دو نسل است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ۳۱ درصد از مادران پاسخگو بی‌سواد، و درصد قابل توجهی از آنان (۴۴/۷ درصد) دارای تحصیلات سوادآموزی تا راهنمایی می‌باشند و فقط ۱۴ درصدشان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. این در حالی است که ۴۱ درصد از نسل جوان، دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم، و حدود ۴۶ درصد آن‌ها دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. همچنین، با توجه به اینکه علاوه بر وضعیت سواد و سطح تحصیلی پاسخگویان، به‌صورت دقیق

آخرین مدرک یا دوره تحصیلی آن‌ها نیز سنجیده شد، میانگین تعداد سال‌های تحصیل نیز برای آنان محاسبه شد. این میانگین همچنین در جدول ۵ آمده است و گویای فاصله زیاد در بین دو نسل است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین تعداد سال‌های تحصیل نسل جوان حدود ۱۳/۵ سال و بیش از دو برابر رقم متناظر برای نسل مادران (حدود ۶ سال) است.

نتایج مرتبط با متغیر اشتغال نشان می‌دهد که اولاً، در این زمینه تفاوتی در بین دو نسل مشاهده نمی‌شود؛ دوماً، در هر دو نسل درصد بسیار اندکی از افراد شاغل بوده‌اند. بطور خلاصه، اطلاعات جدول شماره ۵، حکایت از آن دارد که نسل جوان در مقایسه با مادران‌شان از تحصیلات بیشتری برخوردار بوده و غالباً دارای زمینه و خاستگاه شهری هستند که می‌تواند بر نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری آن‌ها اثرگذار باشد.

در جدول ۶، میانگین، حداقل و حداکثر مقدار متغیرهای مستقل و وابسته در دو نسل مورد مطالعه آمده است. اولین نتیجه‌ای که از جدول برداشت می‌شود آن است که، در هر دو نسل مادران و فرزندان، ارقام میانگین شاخص‌های ناامنی اقتصادی با در نظر گرفتن حداقل و حداکثر مقادیر نسبتاً بالاست، اگرچه به نظر می‌رسد که وضعیت ناامنی اقتصادی جوانان وخیم‌تر است؛ زیرا میانگین مرتبط با جوانان در هر دو شاخص به مقدار حداکثر نزدیک‌تر است. دوم، میانگین شاخص فاصله بین انتظارات و واقعیات حکایت از آن دارد که مادران با شکاف یا فاصله در بین آرمان‌ها و واقعیات اقتصادی خویش مواجه هستند.

جدول ۶: میانگین، حداقل و حداکثر مقدار متغیرهای مستقل و وابسته در دو نسل مورد مطالعه

فرزندان			مادران			متغیرها
حداکثر	حداقل	میانگین	حداکثر	حداقل	میانگین	
۱۵/۳	۱/۵	۹/۲	۱۸/۹	۵/۷	۱۱/۹	ناامنی اقتصادی عینی
۵۶/۹	۱۵/۸	۴۰/۱	۸۲/۷	۱۹/۶	۴۷/۱	ناامنی اقتصادی ذهنی
-	-	-	۰/۸۷	۰/۰	۰/۳۵	فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی
۴۰/۰	۱۹/۵	۲۶/۴	۳۲/۵	۲۰/۵	۲۶/۰	نگرش در مورد سن مناسب پسران
۳۵/۰	۱۶/۵	۲۲/۶	۲۷/۵	۱۶/۵	۲۱/۹	برای ازدواج (به سال) دختران
۴	۰	۱/۹	۴	۱	۲/۶	تعداد فرزند ایده‌آل برای هر زوج در حال حاضر
۱۰	۱	۴/۳	۸	۱	۳/۹	گرش در مورد فاصله‌گذاری بین فرزندان (به سل)

— با توجه به اینکه این متغیر در میان جوانان هرگز ازدواج‌نکرده خانوار، مستقیماً مورد سنجش قرار نگرفت ترجیح داده شد که برای فرزندان از تحلیل کنار گذاشته شود.

سوم، نتایج مرتبط با ایده‌آل‌های باروری دو نسل را می‌توان این‌گونه بیان کرد: اگرچه نسل جوان (فرزندان) در مقایسه با مادران دامنه سنی گسترده‌تری را برای ازدواج پسران در نظر داشته‌اند، اما از نظر هر دو گروه، میانگین سن مناسب برای ازدواج پسران، حدود ۲۶ سال است. دامنه و همچنین میانگین سنی مناسب برای ازدواج دختران، از دید نسل فرزندان بیشتر از نسل مادران بوده است. بعنوان مثال، میانگین سن مناسب برای ازدواج دختران از دید فرزندان ۲۲/۶ سال و از دید مادران ۲۱/۹ سال بوده است؛ به عبارت دیگر، نسل مادران با ازدواج دختران در سنین پایین‌تر موافق‌تر بوده‌اند.

علاوه بر مورد فوق، در نگرش دو نسل در خصوص تعداد فرزند ایده‌آل برای زوجین امروزی و تعداد سال‌های ایده‌آل برای فاصله‌گذاری در بین فرزندان هم تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در حالی که مادران برای هر زوج امروزی میانگین ۲/۶ فرزند را ایده‌آل دانسته‌اند، این شاخص در نسل فرزندان کمتر از ۲ فرزند است. همچنین، در حالی که مادران میانگین ۳/۹ سال را برای فاصله‌گذاری در بین فرزندان ایده‌آل دانسته‌اند، این شاخص در نسل فرزندان نزدیک به ۴/۵ سال بوده است.

علی‌رغم تفاوت‌های ذکر شده در بین دو نسل، به نظر می‌رسد تفاوتی در نگرش آن‌ها نسبت به موقعیت مناسب ازدواج وجود نداشته باشد. این گفته را می‌توان با نتایج ارائه شده در جدول ۷ انطباق داد. نتایج جدول ۷، نشان می‌دهد که ۸۰/۵ درصد از پاسخگویان هر دو نسل موقعیت ایده‌آل برای ازدواج پسران را دسترسی به منابع و پشتوانه‌های اقتصادی، یعنی اشتغال به کار و داشتن شرایط مالی مناسب می‌دانند. بطور میانگین، حدود ۱۸ درصد از پاسخگویان هر دو نسل نیز، موقعیت ایده‌آل برای ازدواج پسران را اتمام خدمت سربازی یا اتمام تحصیلات دانشگاهی ذکر کرده‌اند. بنابراین، در این زمینه تفاوت معنی‌داری در نگرش دو نسل وجود نداشته، بلکه توافق نظر و اجماع آنان بر اهمیت شرایط شغلی و اقتصادی مساعد، به عنوان پیش‌زمینه ازدواج پسران است. در مورد دختران نیز، تفاوت معنی‌داری در نگرش‌های دو نسل دیده نمی‌شود و همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، حدود ۵۰ درصد از مادران و فرزندان موقعیت مناسب برای ازدواج دختران را بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی ذکر کرده‌اند و بقیه به سایر موارد اشاره کرده‌اند.

جدول ۷: توزیع نگرش دو نسل مادران و فرزندان در مورد مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج

متغیر	مقوله‌ها	مادران		فرزندان	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
نگرش در مورد مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج	پسر	۱۳	۶/۲	۱۲	۵/۷
		۱۱۱	۵۲/۹	۹۳	۴۴/۳
		۵۸	۲۷/۶	۷۶	۳۶/۲
	دختر	۲۷	۱۲/۹	۲۴	۱۱/۴
		۱	۰/۵	۵	۲/۴
		۲۱۰	۱۰۰/۰	۲۱۰	۱۰۰/۰
	جمع				
نگرش در مورد مناسب‌ترین موقعیت برای ازدواج	پسر	۱۰	۴/۸	۱۲	۵/۷
		۶۳	۳۰/۰	۵۴	۲۵/۷
		۱۰۷	۵۱/۰	۱۰۳	۴۹/۰
	دختر	۱۷	۸/۱	۲۴	۱۱/۴
		۱۳	۶/۲	۱۷	۸/۱
		۲۱۰	۱۰۰/۰	۲۱۰	۱۰۰/۰
	جمع				

یافته‌های تحلیلی

در جدول شماره ۸، رابطه بین متغیرهای ناامنی اقتصادی و فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی با ایده‌آل‌های باروری دو نسل نشان داده شده است. طبق اولین ردیف جدول، در هر دو نسل رابطه بین شاخص ناامنی اقتصادی عینی و نگرش به سن مناسب ازدواج پسر و دختر مستقیم و معنی دار بوده است. به عبارت دیگر، مادران و فرزندان خانوارهایی که ناامنی اقتصادی عینی بیشتری را تجربه کرده‌اند، سنین بالاتر را برای ازدواج ایده‌آل دانسته‌اند و برعکس. در این ردیف یافته‌ی مهم دیگری مشاهده می‌گردد، مبنی بر اینکه در نسل مادران، رابطه بین ناامنی اقتصادی عینی و تعداد فرزند ایده‌آل برای زوجین امروزی معکوس و از نظر آماری معنی دار است. به عبارت دیگر، زنانی که در خانوار خود با ناامنی اقتصادی عینی بیشتری مواجه بوده‌اند، ایده‌آل باروری پایین‌تری داشته‌اند و برعکس. سایر نتایج ردیف اول جدول، اگرچه مطابق با انتظار است اما از نظر آماری معنی دار نیست.

نامی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری ۸۷

طبق ردیف دوم جدول شماره ۸، در نسل فرزندان، رابطه‌ی بین شاخص نامی اقتصادی ذهنی و نگرش به سن مناسب ازدواج پسر و دختر مستقیم و معنی‌دار بوده است. شدت ارتباط هم متوسط و رو به قوی است. بعبارت دیگر، جوانانی که احساس نامی اقتصادی بیشتری داشته‌اند، سنین بالاتر را برای ازدواج ایده‌آل دانسته‌اند و برعکس. در نسل مادران مطابق با انتظار، آن‌هایی که با احساس نگرانی و نامی اقتصادی بیشتری مواجه بوده‌اند، از طرفی تعداد فرزند کمتری را به‌عنوان ایده‌آل مد نظر داشته و از طرف دیگر، سال‌های بیشتری را برای فاصله‌گذاری در بین فرزندان مناسب دانسته‌اند. اما سایر نتایج در جهت انتظار، از نظر آماری معنی‌دار نبوده است.

جدول ۸: رابطه بین متغیرهای اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری در میان دو نسل مادران و فرزندان

ایده‌آل‌های فرزندان				ایده‌آل‌های مادران				متغیرهای وابسته
سن	سن	تعداد	فاصله‌گذاری	سن	سن	تعداد	فاصله‌گذاری	
ازدواج	ازدواج	ازدواج	ازدواج	ازدواج	ازدواج	ازدواج	ازدواج	متغیرهای مستقل
پسر	دختر	هر زوج	فرزندان	پسر	دختر	هر زوج	فرزندان	
۰,۲۰**	۰,۱۹**	-۰,۲۸**	۰,۰۷ ^{ns}	۰,۲۲*	۰,۱۸*	-۰,۰۷ ^{ns}	۰,۰۹ ^{ns}	نامی اقتصادی عینی
۰,۰۴ ^{ns}	۰,۰۳ ^{ns}	-۰,۳۷**	۰,۱۶*	۰,۴۵**	۰,۴۲**	-۰,۰۹ ^{ns}	۰,۰۲ ^{ns}	نامی اقتصادی ذهنی
۰,۰۵ ^{ns}	۰,۰۲ ^{ns}	-۰,۲۴**	۰,۱۳*	-	-	-	-	فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی

**همبستگی پیرسون معنی‌دار در سطح ۱ درصد *معنی‌دار در سطح ۵ درصد ^{ns}غیر معنی‌دار

در نهایت، نتایج مندرج در ردیف سوم جدول ۸ هم مطابق با انتظار است. بطوری‌که مشاهده می‌شود، مادرانی که با فاصله بیشتری در بین انتظارات و واقعیات اقتصادی خود مواجه بوده‌اند، ایده‌آل باروری پایین‌تری داشته و تعداد سال‌های بیشتری را برای فاصله‌گذاری در بین فرزندان مناسب دانسته‌اند و برعکس.

بطور خلاصه، نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد، افرادی که در خانوارهای خود با نامی اقتصادی و فاصله‌ی بیشتر بین واقعیات و انتظارات اقتصادی مواجه هستند، احتمالاً نگرش‌های ازدواج و فرزندآوری آنان با ایده‌آل‌های پایین همسوتر است.

در ادامه، نتایج تحلیل چندمتغیره‌ی ارائه و تحلیل می‌شود. در این تحلیل‌ها سعی بر آن است به این سؤال پاسخ داده شود، که متغیرهای این مطالعه به چه میزان می‌توانند

تغییرات ایده‌آل‌های باروری دو نسل مادران (ایده‌آل فرزند زنی ۱۵-۴۹ ساله) و فرزندان (سن ایده‌آل ازدواج پسر و دختر از دید جوانان ۱۵-۲۹ ساله ازدواج نکرده) را توضیح دهند؟ بدین منظور، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش گام‌به‌گام^۱ استفاده شده است. قبل از انجام آزمون، تغییرات لازم در متغیرها انجام گرفت و متغیرهای اسمی دوشقی به متغیر تصنعی^۲ تبدیل شدند. متغیرهای وارد شده در تحلیل عبارتند از: ۱- شاخص‌های ناامنی اقتصادی (مرحله اول)، و ۲- متغیرهای مرحله اول، شاخص فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی (در مقیاس فاصله‌ای) و ۳- هفت متغیر جمعیتی شامل: محل تولد و محل سکونت (شهر، روستا به ترتیب با گدهای ۰ و ۱)، سن (مقیاس فاصله‌ای)، زبان مادری (کردی، سایر به ترتیب با گدهای ۰ و ۱)، مذهب (سنی، شیعه به ترتیب با گدهای ۰ و ۱)، تعداد سال‌های تحصیل (مقیاس فاصله‌ای) و اشتغال (شاغل، غیرشاغل به ترتیب با گدهای ۰ و ۱) (مرحله دوم).

جدول شماره ۹، خروجی رگرسیون چندمتغیره تعداد فرزند ایده‌آل برای زوجین در نسل مادران را نشان می‌دهد. طبق نتایج جدول، در مرحله‌ی اول که متغیرهای ناامنی اقتصادی وارد تحلیل شده‌اند، تنها متغیر ناامنی اقتصادی ذهنی، در مدل معنی‌دار بوده و به‌تنهایی توانسته ۱۵ درصد از تغییرات ایده‌آل فرزند زنی را تبیین کند. در مرحله دوم که ۸ متغیر دیگر به مدل اضافه شده، از مجموع ۱۰ متغیر وارد شده در تحلیل، ۵ متغیر در مدل باقی مانده است. این ۵ متغیر حدود ۲۳ درصد از تغییرات ایده‌آل فرزند زنی را توضیح داده و به ترتیب اهمیت تأثیر عبارتند از: ناامنی اقتصادی ذهنی، سن، محل سکونت، تعداد سال‌های تحصیل و فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی. در این بین، جهت تأثیر متغیرهای ناامنی اقتصادی ذهنی، تعداد سال‌های تحصیل و فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی بر ایده‌آل فرزند زنی در جهت منفی می‌باشد. یعنی، بیشتر بودن ناامنی اقتصادی ذهنی، فاصله بین انتظارات و واقعیات، و تعداد سال‌های تحصیل با ایده‌آل باروری پایین‌تر برای زنان همراه است و برعکس. از سوی دیگر، تأثیر متغیرهای سن و محل سکونت بر تعداد فرزند ایده‌آل در جهت مثبت است. به عبارت دیگر، زنان

1- Stepwise Method

2- Dummy Variable

نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری ۸۹

مسن تر و زنان ساکن روستا در مقایسه با زنان جوان و ساکن شهر تعداد فرزند بالاتری را به‌عنوان ایده‌آل مد نظر داشته‌اند.

جدول ۹: آزمون رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر تعداد فرزند ایده‌آل برای زوجین امروزی در نسل مادران

مرحله اول					مرحله دوم					عناصر رگرسیون و متغیرها
Sig.	t	S.E	Beta	B	Sig.	t	S.E	Beta	B	
۰/۰۰۱	۱۲/۵۷۴	۰/۱۸۵	-	۲/۶۴۱	۰/۰۰۱	۲۷/۲۴۶	۰/۰۹۹	-	۲/۸۷۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	-۵/۳۴۵	۰/۰۰۴	-۰/۲۳۷	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۱	-۸/۵۴۱	۰/۰۰۳	-۰/۳۹۲	-۰/۰۲۱	نامنی اقتصادی ذهنی
۰/۰۰۱	۳/۹۳۶	۰/۰۰۳	۰/۱۵۱	۰/۰۱۷						سن
۰/۰۰۱	۳/۲۱۸	۰/۰۴۵	۰/۱۲۳	۰/۲۷۴						محل سکونت (روستا گروه مرجع)
۰/۰۰۱	-۲/۹۷۸	۰/۱۰۱	-۰/۱۰۸	-۰/۳۲۷						تعداد سال‌های تحصیل
۰/۰۱۷	-۲/۳۵۶	۰/۰۸۹	-۰/۰۸۷	-۰/۲۲۵						فاصله بین انتظارات و واقعیات
	۰/۴۸۷					۰/۳۹۲				ضریب همبستگی چندگانه (R)
	۰/۲۳۷					۰/۱۵۴				ضریب تعیین (R ²)
	۰/۲۳۲					۰/۱۵۱				ضریب تعیین تعدیل شده
	۰/۴۸۳					۰/۵۲۳				(R ² .Adj)
	۲۵/۸۵۹					۹۹/۸۵۴				خطای معیار (S.E)
	۰/۰۰۱					۰/۰۰۱				تحلیل واریانس (ANOVA)
										سطح معنی‌داری (Sig.)

جدول شماره ۱۰، در دو بخش خروجی رگرسیون چندمتغیره سن ایده‌آل ازدواج پسران و دختران را در نسل فرزندان (جوانان ازدواج نکرده) خانوارهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. طبق نتایج بخش اول جدول، در مرحله اول که متغیرهای نامنی اقتصادی وارد تحلیل شده‌اند، تنها متغیر نامنی اقتصادی ذهنی در مدل معنی‌دار بوده و به‌تنهایی توانسته است حدود ۳۰/۵ درصد از تغییرات سن ایده‌آل ازدواج پسران را تبیین کند. در مرحله دوم که سایر متغیرها به مدل اضافه شده، از مجموع متغیرهای وارد شده در تحلیل، ۴ متغیر در مدل باقی مانده که این ۴ متغیر، حدود ۴۰ درصد از تغییرات سن ایده‌آل ازدواج پسران را توضیح داده و به‌ترتیب اهمیت تأثیر عبارتند از: نامنی اقتصادی ذهنی، سن، محل

سکونت و تعداد سال‌های تحصیل. در این بین، جهت تأثیر متغیرهای ناامنی اقتصادی ذهنی، سن و تعداد سال‌های تحصیل بر متغیر وابسته در جهت مثبت است. یعنی، بالاتر بودن ناامنی اقتصادی ذهنی، سن و تعداد سال‌های تحصیل جوانان با سن ایده‌آل بالاتر پسران در ازدواج همراه بوده و برعکس. از طرف دیگر، تأثیر متغیر محل سکونت بر متغیر وابسته در جهت منفی است. بعبارت دیگر، جوانان ساکن روستا در مقایسه با هم‌تایان شهری برای پسران، سن پایین‌تر در ازدواج را ایده‌آل دانسته‌اند.

جدول ۱۰: آزمون رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر سن مناسب ازدواج پسران و دختران در نسل فرزندان

مرحله اول				مرحله دوم				عناصر رگرسیون و متغیرها
Sig.	t	S.E	Beta	B	Sig.	t	S.E	
۰/۰۰۱	۱۷/۶۲۸	۰/۵۱۰	-	۱۳/۴۱۲	۰/۰۰۱	۴۷/۳۲۰	۰/۳۲۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۸/۶۶۱	۰/۰۰۲	۰/۴۷۱	۰/۱۰۹	۰/۰۰۱	۱۰/۸۵۴	۰/۰۰۱	نامانی اقتصادی ذهنی
۰/۰۰۱	۵/۷۵۴	۰/۰۰۴	۰/۱۶۷	۰/۱۲۸				سن
۰/۰۰۱	-۳/۴۱۰	۰/۳۱۰	-۰/۱۴۷	-۰/۹۹۱				محل سکونت
۰/۰۱۹	۲/۴۸۵	۰/۳۲۰	۰/۱۲۱	۱/۰۴۰				تعداد سال‌های تحصیل
		۰/۶۴۱				۰/۵۵۶		ضریب همبستگی چندگانه
		۰/۴۱۰				۰/۳۰۹		ضریب تعیین
		۰/۳۹۹				۰/۳۰۶		ضریب تعیین تعدیل شده
		۱/۷۱۱				۱/۸۷۰		خطای معیار
		۳۴/۵۴۱				۱۱۷/۱۳۲		تحلیل واریانس
		۰/۰۰۱				۰/۰۰۱		سطح معنی‌داری
۰/۰۰۱	۱۷/۳۵۲	۰/۷۴۱	-	۱۴/۱۲۳	۰/۰۰۰	۳۹/۳۷۴	۰/۴۰۷	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۷/۱۱۰	۰/۰۰۱	۰/۴۱۱	۰/۰۹۴	۰/۰۰۰	۷/۷۹۲	۰/۰۰۲	نامانی اقتصادی ذهنی
۰/۰۰۱	-۳/۷۴۱	۰/۳۲۱	-۰/۱۸۵	-۱/۰۱۹				محل سکونت
۰/۰۱۸	۲/۲۲۰	۰/۰۰۴	۰/۱۲۵	۰/۰۹۰				سن
		۰/۵۸۶				۰/۴۷۰		ضریب همبستگی چندگانه
		۰/۳۴۳				۰/۲۲۰		ضریب تعیین
		۰/۳۳۲				۰/۲۱۶		ضریب تعیین تعدیل شده
		۱/۶۲۱				۱/۸۲۳		خطای معیار
		۳۱/۷۴۳				۷۶/۰۷۸		تحلیل واریانس
		۰/۰۰۱				۰/۰۰۱		سطح معنی‌داری

نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری ۹۱

طبق نتایج بخش دوم جدول ۹، باز هم در مرحله اول، تنها متغیر نامنی اقتصادی ذهنی در مدل، معنی‌دار بوده و به‌تنهایی توانسته حدود ۲۱/۵ درصد از تغییرات سن ایده‌آل ازدواج دختران را تبیین کند. در مرحله دوم با ورود سایر متغیرها، تحلیل تا سه گام پیش‌رفته است. عبارت دیگر، از مجموع متغیرهای وارد شده در تحلیل، ۳ متغیر در مدل باقی مانده است. این متغیرها حدود ۳۳ درصد از تغییرات سن ایده‌آل ازدواج دختران را توضیح داده و به‌ترتیب اهمیت تأثیر عبارتند از: نامنی اقتصادی ذهنی، محل سکونت و سن. جهت تأثیر متغیرهای نامنی اقتصادی ذهنی و سن بر متغیر وابسته در جهت مثبت است. یعنی، بالاتر بودن نامنی اقتصادی ذهنی و سن جوانان با سن ایده‌آل بالاتر دختران در ازدواج همراه بوده و برعکس. از طرف دیگر، تأثیر متغیر محل سکونت بر متغیر وابسته در جهت منفی بوده و به‌عبارتی، جوانان ساکن روستا در مقایسه با هم‌تایان شهری برای دختران، سن پایین‌تر در ازدواج را ایده‌آل دانسته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌زعم جمعیت‌شناسان در مواقعی که باروری پایین در جامعه گسترش پیدا می‌کند، توجه و مطالعه بر روی نگرش‌ها و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری از اهمیتی اساسی برخوردار می‌شود، زیرا مطالعه این ایده‌آل‌ها می‌تواند مسیر و روندهای آتی تحولات خانواده را تا حدودی شناسایی و ترسیم کند. از طرف دیگر، همان‌طور که افرادی چون ویلر (۲۰۱۱) یا ارسال و گلدستین (۲۰۱۰) در مطالعه خود اشاره کرده‌اند، در حال حاضر و با ظهور رفتارها و نگرش‌های باروری پایین، شرایط اقتصادی، در مقایسه با سال‌های گذشته نقش برجسته‌تری در تعیین این رفتار و ایده‌آل‌ها یافته‌اند. بدین جهت در سال‌های اخیر، بطور خاص بر نقش نامنی اقتصادی و کاهش بی‌اطمینانی در شرایط کاری همراه با تغییر ارزش‌ها و هنجارهای فردی در تحولات باروری توجه و تمرکز شده است. با توجه به تحولات صورت‌گرفته در حوزه خانواده در جامعه ایران، یعنی شیوع رفتار و ایده‌آل‌های باروری نسبتاً پایین و همچنین مسائل اقتصادی پیش‌روی خانواده‌ها، هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه بین نامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های ازدواج و باروری در میان دو نسل مادران و فرزندان در خانوارهای شهرستان سنج بود.

چارچوب نظری این مقاله از نظریه‌های اقتصاد خرد باروری، بی‌اطمینانی (نامنی) اقتصادی و فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی جهت گرفته است. در این چارچوب، تأکید محوری بر نامنی اقتصادی (نظریه اجتناب از خطر) و تغییر انتظارات اقتصادی افراد (نظریه فاصله بین منابع و انتظارات اقتصادی) قرار دارد. طبق این نظریه‌ها، تحت تأثیر تغییرات وسیع اجتماعی ناشی از فرایند جهانی شدن و افزایش دستاوردهای نوسازی، و همچنین، نظام سرمایه‌داری جدید، از طرفی انتظارات و توقعات در زندگی بالا رفته، از طرف دیگر، امنیت اقتصادی افراد پایین آمده است. بنابراین زمانی که افراد، منابع پیش روی خود، برای برآوردن انتظارات اقتصادی‌شان را محدود ببینند، سعی می‌کنند با محدود کردن بُعد خانواده، به انتظارات متعارف خود جامه عمل بپوشانند. در واقع، تحت شرایطی که انتظارات و توقعات خانواده‌ها بسیار بالا رفته، و ثبات و دوام اقتصادی به حداقل خود رسیده و نامنی اقتصادی در زندگی کاری مشهود است، افراد تحت یک مکانیسم مدیریت رفتاری عقلانی، به جای ازدواج و فرزندآوری (بیشتر)، سعی می‌کنند با دستیابی به مراتب تحصیلی بالاتر و شرایط اقتصادی باثبات‌تر، از ریسک تعهدات بلندمدت خانوادگی، یعنی ازدواج و فرزندآوری اجتناب ورزند.

داده‌های این مقاله بخشی از داده‌های «پیمایش ایده‌آل‌ها و رفتارهای باروری سنندج، ۱۳۹۳» بود که تحلیل ایده‌آل‌های باروری مربوط به ۴۲۰ نفر از مادران (۲۱۰ نفر) و فرزندان هرگز ازدواج‌نکرده پسر و دختر (۲۱۰ نفر) خانوارهای شهرستان سنندج را در بر گرفته است. نتایج مطالعه ضمن نشان دادن تفاوت در ویژگی‌های زمینه‌ای دو نسل، بخصوص تفاوت‌های تحصیلی، تفاوت در ایده‌آل‌های ازدواج و باروری را نیز آشکار ساخت. بعنوان مثال، فرزندان در مقایسه با مادران، سن بالاتر ازدواج به‌ویژه برای دختران، تعداد فرزند ایده‌آل پایین‌تر و فاصله‌گذاری بیشتر در بین موالید را ایده‌آل دانسته‌اند. البته، دو نسل درباره شرایط قبل از ورود به ازدواج با همدیگر توافق نظر داشته و هر دوی آنها موقعیت ایده‌آل برای ازدواج دختران را اتمام تحصیلات متوسطه و دانشگاهی، و برای پسران پس از داشتن شغل و شرایط مالی دانسته‌اند. توجه به این خصایص نسلی، مهم و ظرفیتی برای مطالعات بیشتر به حساب می‌آید، اما در این بررسی، وضعیت نامنی اقتصادی افراد مورد مطالعه و میزان اهمیت این متغیر برای ایده‌آل‌های باروری برجسته‌تر بوده است. براین اساس، نتایج مطالعه از یک سو حاکی از وجود نامنی اقتصادی در افراد خانوارهای مورد تحقیق به‌ویژه در میان جوانان

ازدواج‌نکرده بود، و از سوی دیگر، حاکی از رابطه معنی‌دار متغیرهای اقتصادی با ایده‌آل‌های باروری بوده است. به عبارت دیگر، زنان در خانوارهایی که با نامنی اقتصادی بالاتر و فاصله بیشتری در بین واقعیات و انتظارات اقتصادی خود مواجه بوده‌اند، فرزندان کمتری را به عنوان ایده‌آل مد نظر داشته‌اند. در همان خانوارها، جوانان نیز، سنین بالاتر را برای ازدواج ایده‌آل دانسته‌اند. در تحلیل چندمتغیره داده‌ها با کنترل همزمان سایر متغیرهای جمعیتی، تأثیر معنی‌دار متغیرهای نامنی به‌ویژه احساس نامنی اقتصادی بر ایده‌آل‌های باروری همچنان باقی ماند. ضمن اینکه، برخی از متغیرهای جمعیتی همچون محل سکونت، سن و تحصیلات تعدیل‌کننده روابط بوده‌اند.

بطور خلاصه، نتایج مطالعه‌ی حاضر با عناصر نظری و تجربی نامنی اقتصادی همسویی دارد. جامعه ایران از جمله سنندج، یک جامعه شهری شده است. عناصر نوسازی در این جامعه به شدت در حال گسترش است. آگاهی افراد از طریق تحصیلات و همچنین، ارتباطات افزایش یافته است. بنابراین، انتظارات و توقعات هم افزایش یافته اما، واقعیات هم‌تراز با انتظارات نبوده و منابع در اختیار خانواده‌ها و افراد برای برآوردن خواسته‌ها و تمایلات تغییر یافته‌شان محدود است. در واقع، علاوه بر تغییر انتظارات، مسائل فراوان اقتصادی جامعه مانند بیکاری، گرانی، رکود و ... به شدت احساس نامنی و نگرانی اقتصادی افراد را بالا برده است. بنابراین، در چنین شرایطی احتمال بیشتری دارد که افراد بخصوص جوانان، تأخیر در ازدواج و نگرش‌های باروری پایین‌تر را در سر بپروانند.

نتایج این مطالعه نشان داد که زنان به صورت میانگین، تعداد ۲/۶ فرزند را برای زوجین امروزی ایده‌آل می‌دانند که این رقم بالاتر از نرخ باروری کنونی در کردستان و بالاتر از نرخ باروری جانشینی است. این شکاف در رفتار و ایده‌آل فرزند می‌تواند نتیجه مسائل اقتصادی پیش‌روی زوجین باشد. بنابراین، توجه به نیازهای اقتصادی آن‌ها به‌طور قطع می‌تواند در افزایش فرزندآوری در حد تمایلات خانواده‌ها نقش داشته باشد. البته طبق نتایج، تعداد فرزند ایده‌آل مد نظر جوانان از رقم فوق کمتر و در حد ۲ فرزند بوده است. علاوه بر عاملیت تغییرات ارزشی و هنجاری و شکل‌گیری گرایش‌های روزافزون فردگرایانه در آن‌ها، شرایطی که جوانان امروز با آن روبرو هستند - از جمله بیکاری و به‌ناچار ماندن در تحصیلات، اشتغال موقت - و حتی در صورت اشتغال - عدم امنیت شغلی و نامطمئن بودن از آینده - در تمایلاتی

این چینی اثرگذار است. در واقع، آن‌ها اغلب ازدواج را تا زمان رسیدن به یک موقعیت امن و باثبات اقتصادی به تأخیر می‌اندازند و در صورت ازدواج نیز، تا زمان ساختن خود و شکل دادن برخی از انتظارات‌شان، فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازند. در این شرایط، وظیفه دولت و سیاست‌گذاران این است که با حمایت‌های ساختاری از جوانان و زوجین در سنین باروری و رفع نیازهای اقتصادی آن‌ها، بستر جلوگیری از کاهش بیشتر ایده‌آل‌ها و در نتیجه رفتارهای باروری را فراهم آورند.

بعنوان نکته پایانی، اشاره می‌شود که به دلایلی همچون مقطعی بودن مطالعه، همپوشی مادران و فرزندان آن‌ها در خصوص شرایط اقتصادی خانوار و تسری اطلاعات اخذ شده از سرپرست خانوار به زنان، احتیاط در نتایج مقاله لازم است. همچنین، برای مطالعات آتی علاوه بر در نظر گرفتن موارد فوق، بررسی ناامنی اقتصادی و ایده‌آل‌های خانواده با داده‌های طولی به‌منظور درک تفاوت‌های نسلی پیشنهاد می‌شود.

منابع

- پوراصغر سنگاچین، فرزام، اسماعیل صالحی، و مرتضی دیناروندی (۱۳۹۱)، سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی، *آمایش سرزمین*، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۲۶-۵.
- حسین‌زاده، جواد و عزیزالله فرهادی (۱۳۹۳)، سیمای استان‌های کشور از نگاه حساب‌های منطقه‌ای در سال ۱۳۹۰، *آمار*، شماره ۵، صص ۳۹-۳۵.
- خانی، سعید، حسین راغفر و اسعد خانی (۱۳۹۱)، تحولات ساختار سنی جمعیت ایران؛ احتمال افزایش بیکاری و اثرات آن بر امنیت ملی، مقاله ارائه شده در ششمین همایش ملی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۸ و ۱۹ آبان ۱۳۹۱.
- رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی و حسن سرایی (۱۳۹۳)، تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۲۵۰-۲۲۹.
- شیدانی، رضا (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به خواست فرزندان کمتر در میان زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر ساکن در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- عباسی شوازی، محمدجلال و میمنت حسینی چاوشی (۱۳۹۲). *روزند و سطح باروری طی چهار دهه اخیر در ایران: کاربرد روش فرزندان خود در برآورد باروری در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۹۰*، گزارش تحقیقاتی، پژوهشکده آمار، مرکز آمار ایران.
- عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاوشی، پیترو مک‌دونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۳). *تحولات باروری در ایران؛ شواهدی از چهار استان منتخب*، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- عسکری‌ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی، و رسول صادقی (۱۳۸۸). *مادران، دختران و ازدواج؛ تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد*، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۱(۴۴)، صص ۳۳-۷.
- فطرس، محمد حسن و محمود بهشتی‌فر (۱۳۸۵). *تعیین سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و نابرابری بین آن‌ها طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳*، *نامه اقتصادی*، جلد ۲، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- کلانتری، صمد و محمد گنجی (۱۳۸۴)، شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۱۱ و ۲۱۲.

گیر، تدا. رابرت (۱۳۷۷)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، (ترجمه علی مرشدی‌زاده)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

م‌حمدپور، احمد و محمدتقی ایمان (۱۳۸۷)، بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۲۱۳-۱۹۱.

محمودیان، حسین و مهدی رضایی (۱۳۹۱)، زنان و کنش کم‌فرزندآوری: مطالعه موردی زنان کُرد، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۲۲۵-۱۷۳.

مردان‌تبار، حسام (۱۳۹۱)، جایگاه اقتصادی ایران در جغرافیای جهانی تورم؛ ایران در باشگاه دو رقمی‌ها، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۳۶، صص ۱۷۱-۱۷۰.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سنندج*، دفتر آمار و اطلاعات استانداری.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سالنامه آماری کردستان ۱۳۹۰*.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ کل کشور*.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کردستان*.

مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۶)، *خلاصه مدیریتی گزارش تحقیقاتی ویژگی‌های استان‌های کشور، ۱۳۸۵-۱۳۸۳*، مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های اقتصادی.

معینی، مریم، ابوالقاسم پوررضا و فاطمه ترابی (۱۳۹۱)، نقش عوامل اقتصادی و چانه‌زنی درون خانوار بر تقاضای فرزند دوم در ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال هفتم، شماره ۱۴، صص ۱۳۶-۱۱۳.

نشریه آینده‌نگر (۱۳۹۱)، دیباچه: ده نکته درباره بازار کار و بیکاری در ایران، شماره سیزدهم، نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی.

Abbasi-Shavazi, M. J., and P. McDonald (2005), National and Provincial level Fertility Trends in Iran, 1972-2000, *Working Paper in Demography*, No. 94, the Australian National University, Canberra.

Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., and M. Hosseini-Chavoshi (2009). *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, New York: Springer.

Anxo, D., Bosch, G., and J. Rubery (2010), *Shaping the Life Course: A*

- European Perspective, In D. Anxo, G. Bosch, & J. Rubery (eds.), *The Welfare State and Life Transitions: A European Perspective* (Pp. 1-70).
- Beck, U. (1999). *World Risk Society*, Malden Mass: Polity Press.
- Bernardi, L., Klarner, A., and H. von der Lippe (2008), Job Insecurity and the Timing of Parenthood: A Comparison between Eastern and Western Germany, *European Journal of Population*, 24: 287-313.
- Bernardi, L., Keim, S., and H. von der Lippe (2007). Social Influences on Fertility: A Comparative Mixed Methods Study in Eastern and Western Germany, *Journal of Mixed Methods Research*, 1(1), pp. 23-47.
- Blau, F., Ferber, M. A., and A. E. Winkler (2002). *The Economics of Women, Men, and Work*, 4th ed. Upper Saddle River, N.J.: Prentice Hall.
- Caldwell, J. C., and T. Schindlmayr (2003). Explanations of the Fertility Crisis in Modern Societies: A Search for Commonalities, *Population Studies-a Journal of Demography*, 57(3): 241-263.
- De Lange, M., Wolbers, M. H. J., Gesthuizen, M., and W. C. Ultee (2014). The Impact of Macro- and Micro-Economic Uncertainty on Family Formation in The Netherlands, *European Journal of Population*, Springer Science + Business Media Dordrecht 2014, DOI 10.1007/s10680-013-9306-5.
- Easterlin, R. A. (1978). What Will 1984 Be Like? Socioeconomic Implications of Recent Twists in Age Structure, *Demography*, 15(4): 397-432.
- Easterlin, R. A. (1976). the Conflict between Aspiration and Resources, *Population and Development Review*, 2: 418-425.
- Egel, D. and D. Salehi-Isfahani (2010). Youth Transitions to Employment and Marriage in Iran: Evidence from the School to Work Transition Survey, with Daniel Egel, *Middle East Development Journal*, 2(1), 89-120.
- Fiori, F., Rinesi, F., Pinnelli, A., and S. Prati (2013). Economic Insecurity and the Fertility Intentions of Italian Women with One Child, *Population Research and Policy Review*, 32(3): 373-413.
- Goldstein, J., Lutz, W., and M. R. Testa (2003). The Emergence of Sub Replacement Family Size Ideals in Europe, *Population Research Policy Review*, 22: 479-496.
- Hin, S., Gauthier, A., Goldstein, J., and C. Buhler (2011). Fertility

Preferences: what Measuring Second Choices Teaches Us, *Vienna Yearbook of Population Research*, Vol. 9, pp. 131-156.

Kohler, H. P., Billari, F. C., and J. A. Ortega (2006). Low Fertility in Europe: Causes, Implications and Policy Options, Pp. 48-109 in *The Baby Bust: Who Will Do the Work? Who Will Pay the Taxes*, edited by F. R Harris Lanham, MD: Row man & Littlefield Publishers.

Kravdal, O. (1994). the Importance of Economic Activity, Economic Potential and Economic Resources for the Timing of First Births in Norway, *Population Studies*, 48(2): 249-267.

Letablier, M. T., and A. Salles (2013). Labor Market Uncertainties for the Young Workforce in France and Germany: Implications for Family Formation and Fertility, CES Working Papers, Work Package 3: Individual Pathways to Flexibility and Sustainability in Europe, European 7th Framework Programme.

McDonald, P., and H. Moyle (2010). Why do English-Speaking Countries have Relatively high Fertility?, *Journal of Population Research*, Vol. 27, No. 4, Pp. 247-273.

McDonald, P. (2008). Very Low Fertility: Consequences, Causes and Policy Approaches, *Japanese Journal of Population* 6(1), pp. 19-23.

McDonald, P. (2006). Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy, *Population and Development Review*, 32(3): 485-510.

McDonald, P. (2002). Sustaining Fertility Through Public Policy: The Range of Options, *Population* (English Edition), 57(3): 417-446.

McDonald, P. (1996). Demographic Life Transitions: An Alternative Theoretical Paradigm, *Health Transition Review*, Supplement 6: 385-392.

Miller, W. B. (1994). Childbearing Motivations, Desires, and Intentions: A Theoretical Framework, *Genetic, Social and Psychology Monographs*, 102(2): 225-258.

Mills, M., and H. P. Blossfeld (2005). Globalization, Uncertainty and Changes in Early Life Courses, In H.P. Blossfeld, M. Mills, E. Klizjizing, and K. Kurz (Eds.), *Globalization, Uncertainty, and Youth in Society*, (pp. 1-24). New York: Rutledge.

Mills, M., and H. P. Blossfeld (2003). Globalization, Uncertainty and

Changes in Early Life Courses, *Zeitschrift für Erziehungswissenschaft*, 6.Jahrg. Heft2/2003, S. 188-218.

Modena, F., Rondinelli, C., and F. Sabatini (2012). Economic Insecurity and Fertility Intentions: The Case of Italy, Munich Personal RePEc Archive.

Moeeni, M., Pourreza, A., Torabi, F., Heydari, H., and M. Mahmoudi (2014). Analysis of Economic Determinants of Fertility in Iran: A Multilevel Approach, *International Journal of Health Policy and Management*, 3(3), 135-144.

Örsal, D. D. K., and J. R. Goldstein (2010), The Increasing Importance of Economic Conditions on Fertility, *MPIDR Working Paper*, Max Planck Institute for Demographic Research.

Perugini, M., and R. D. Bagozzi (2001), The Role of Desires and Anticipated Emotions in Goal-directed Behaviors: Broadening and Deepening the Theory of Planned Behavior, *British Journal of Social Psychology*, 40: 79-98.

Rossier C., and L. Bernardi (2009). Social Interaction Effects on Fertility: Intentions and Behaviors, *European Journal of Population*, 25: 467-485.

Sobotka, T., Skirbekk, V., and D. Philipov (2010). Economic Recession and Fertility in the Developed World: A Literature Review, European Commission, Directorate-General "Employment, Social Affairs and Equal Opportunities", Unit E1-Social and Demographic Analysis, Vienna Institute Demography.

Western, B., Bloom, D., Sosnaud, B., and L. Tach (2012). Economic Insecurity and Social Stratification, *Annual Review of Sociology*, 38, 341-359.

Wheeler, M. (2011). Contemporary Topics in Low Fertility: Late Transitions to Parenthood and Low Fertility in East Asia, *a Dissertation in Demography. University of Pennsylvania*

Witte, J. C., and G. G. Wagner (1995). Declining Fertility in East Germany after Unification: A Demographic Response to Socioeconomic Change, *Population and Development Review*, 21(2):387-397.